

((خاستگاه ایرانی سلسله پالاوا))

Category: اخبار، تاریخ، مطالب این وبگاه

written by admin | ژانویه 25, 2011



بحثی در باب تبار احتمالی ایرانی برای پالاوائیان و برخی دیگر از مردمان شبه قاره هند

ترجمه به فارسی از: فرزین آقازاده



شواهد تاریخی، انسان‌شناختی و زبان‌شناختی جدید [؟]، بیانگر این است که سلسله «پالاوا»¹ از تبار پارتیان بوده‌اند و نام «پالاوا» نیز صورتی دیگر از واژه شناخته شده سنسکریت «پهلَو»² می‌باشد. دکتر «کارنگی»، «پهلَو»³ ها را مردمی می‌داند که به زبان پهلوی⁴ سخن می‌گفته‌اند و پهلوی نیز از جمله زبانهایی است که در ایران بدان تکلم می‌شده است [پس ایشان همانها یا گروهی از آنانی هستند که در زبان فارسی «پهلویان» خوانده می‌شوند م.]. دکتر «بولر» نیز می‌گوید که «پهلَو» و اصل ایرانی آن، یعنی «پهلَو»⁵، صورت تغییر یافته «پَرئَو»⁶ هستند. باید به این نکته توجه نمود که در نسخه‌های متفاوت «پوران»⁷ ها، در جایی از واژه «پهلَو» و در جای دیگر برای نامیدن همان گروه از مردم از واژه «پالاوا» استفاده شده است. «پالاوا» ها آن دسته از «پهلَو» ها یا پهلویان بوده‌اند که همپیمان با «سک»⁸ ها (یا «سکا» ها) و «کمبُج»⁹ ها، به تدریج در طی سده‌های دوم و یکم پیش از میلاد به درون شبه قاره نفوذ کردند و در سده‌های نخستین مسیحیت، در جنوب و جنوب غربی هند مسکن گزیدند. در «مَرُکُنْدِیا پورانا»¹⁰ که یکی از پورانها می‌باشد و نیز در «بَرَهَت سَمهیتا»¹¹، آشکارا شواهدی است مبنی بر اینکه سکونتگاههای پهلَو ها و کمبُج ها در جنوب غرب هندوستان امروزی بوده است.

و. د. مَهاجان، در کتاب «هند باستان» خود (صفحه 630) نقل کرده است که پادشاه «قَنَوج»¹²، بنام «یسُورَمَن»¹³ (که در قرن هشتم میلادی سلطنت می‌کرده است)، با شاه «مَگد»¹⁴ نبرد کرد. شاه «وَنگ»¹⁵ [یا سرزمین قدیم بنگال م.] را بکشت، به سواحل شرقی دست یافت، شاه «دَگَن»¹⁶ را شکست داد، از کوهستان «مَلِی»¹⁷ گذشت (کوهستانی که به احتمال در جهت شرقی ناحیه «مَلِبار»¹⁸ و در جنوب «مَیسور»¹⁹ باشد)، به دریای جنوبی رسید و با «پارسیک»²⁰ ها نبرد کرد. آنگاه از ساکنان کوهستان «گات»²¹ های غربی باج ستاند و سپس به سوی شمال راه سپرد تا به کرانه‌های رودخانه «ناریادا»²² رسید.

بر مبنای شواهدی که آمد، یک بخش از پهلَوها (یعنی «پارسیک» ها یا «پَرسیک» ها) نیز پیشتر و در حدود ربع نخست سده هشتم در نواحی جنوبی هند ساکن بوده‌اند. پس چنین به نظر می‌آید که پالاواهای شهر «کانچی»²³ در واقع شاخه‌ای از پهلویان ایرانی بوده‌اند؛ کسانی که در گذر زمان به کیش هندو در آمدند و پیرو آئین برهمنی شدند.

دانشمند فرانسوی «ژرژ گُنْدِه»²⁴، همچون خیلی‌های دیگر، پالاواها را با ایرانیان پهلوی یکی می‌پندارد و همچنین نسبت نزدیکی میان پالاواهای کانچی و

فرمانروایان «کمبوج²⁵» در کشور کامبوج قائل است. این نکته حاکی از آن است که برخی خاندان های متهور و ماجراجو از میان کمبُج های هندی (که متحدان پهلوه ها بودند)، از راه دریا به هندوچین رفته، پادشاهی «کمبوج» را در شمال «فونان²⁶» و در حدود سده های پنجم و ششم میلادی پی ریخته بودند.

همچنین منابع زبان «سینهالا²⁷»ی باستانی، شواهدی از مراکز سکونت کمبُج ها با قدمتی تا اوایل سده سوم پیش از میلاد به دست می دهند .

در این منابع گفته می شود که در میان نود و شش خاندان «مَراثا²⁸» که در ناحیه «مَهاراشترا²⁹» می زیسته اند، خاندانی به نام «پَلَو³⁰» نیز وجود داشته است. در این روایت نکته ای نهفته است و ما را بدانجا رهنمون می شود که شاید بخشی از پهلَو ها (یعنی همان پارسیک ها)، در حوالی سده های پنجم و ششم مسیحی یا حتی زودتر از آن وارد جمعیت انبوه «مَهاراشترا» شده، با آنها درآمیخته بودند. شواهد دیگر بیانگر آن است که پارسیک ها و کمبُج ها در طی سده های پسین میلادی، سرگرم تصرف نواحی هم مرز و مجاور «مَهاراشترا» بوده اند.

پی نوشت ها :

1- "Pallava"، نام سلسله ای بوده است در جنوب هند که از سده چهارم میلادی تا پایان سده نهم قدرت داشته اند و پایتختشان شهر "کانچیپوران" (Kanchipuram) بوده است و تبار ایشان چندان دانسته نیست.

2- "Pahlava"؛

3- "Pahluva"؛

4- "Pehlvi"، این از صورتهای نه چندان رایج نگارش نام زبان پهلوی به لاتین است.

5- "Pahlav"؛

6- "Parthava"، این صورت در زبان فارسی باستان برای اشاره به سرزمینی شرقی به کار رفته است .

7- "پورانا" با تلفظ / purāṇá / (مطابق با آوانویسی IAST که در دائرة المعارف اینترنتی Wikipedia نیز برای آوانگاری زبان سنسکریت به کار رفته) نام عمومی بخشی از متنهای مذهبی هندو است.

8- "Saka" ؛ "سَک" یا "سَکا" نام عمومی قومی بوده است که در زبان فارسی باستان و در کتیبه های داریوش به گونه / سَک / و در ادبیات باستانی هندی به گونه / śaka / مطابق با آوانگاری IAST نامیده شده اند. آوای این نام تقریباً معادل / شَک / می باشد .

9- "Kamboja"، نام کشوری باستانی و نیز نام يك تیره جنگجو از هندوایرانیان است که در آن کشور ساکن شدند و در متنهای بودایی به عنوان یکی از پادشاهیهای شانزده گانه بزرگ از آن یاد شده است.

10- "Markendeya Purana"، یکی از پورانها است که از پهلَو ها در آن نام برده شده است.

11- "Brhat Samhita"، از کتب قدیم هندیان که در قرن ششم میلادی به رشته تحریر در آمده است.

12- "Kanauj" یا "Kannauj"، که در فارسی آن را "قَنُوج" یا "قَنُوج" می گویند شهری است در ایالت "اوتار پرادش" هند که در گذشته پایتخت یکی از پادشاهیهای هندو بوده است و به نقل از لغتنامه دهخدا نام شهری است که محمود بن سبکتگین آن را گشود و در ناحیه فرخ آباد در 50 میلی رود گنگ واقع است.

13- "Yasovarman"؛

14- "Magadha"، نام کشوری است باستانی که در شمال خلیج بنگال واقع بوده، با تلفظ / مَگدْ / که در هردوی راماین و مهابهارت به آن اشاره شده است. در ضمن به دوران بودا، یکی از چهار پادشاهی بزرگ هند بوده که در فاصله میانه های قرنهای ششم و پنجم پیش از میلاد در اوج قدرت بوده است (نقل از دائرة المعارف ویکیپدیا).

15- "Vanga"، با آوای / vaṅga / به آوانویسی IAST، نام کشوری باستانی است که در شرق کشور امروزی هندوستان قرار داشته است و بازمانده آن امروز کشور بنگلادش و ایالت بنگال غربی در هند است که در انگلیسی آن را / بَنگال / خوانند و در فارسی / بَنگال / و / بَنگال / هردو را گویند.

16- "Deccan"، نامی است که مفهوم جنوب می دهد و آن را بر بخش بزرگی از سرزمین هند که در جهت جنوب واقع است گذاشته اند. هندیان به روایت لغتنامه دهخدا "دکهن" نویسند ولی در تلفظ هاء را نیارند. در زبان سنسکریت این نام به گونه دَکْشینه با آوای / dakṣiṇa / به آوانگاری IAST می باشد.

17- "Malaya"، با آوای / مَلّی /، نام باستانی کوهستانی است که بر اساس توصیفات که در متون سنسکریت و غیر از آن آمده است احتمالاً در جنوب هند

امروزی و در جهت شرقی سواحل دریای عرب قرار داشته است.

18- "Malabar"، ناحیه‌ای در جنوب هند است که میان دریای عرب و کوهستان گاتس غربی واقع شده است.

19- میسور (Mysore) ایالتی در جنوب هند که مرکز آن بنگالور (یا بنگلور) است.

20- "Parasika"، با آوای /پَرَسِیک/ یا /پَارَسِیک/ نام قومی است. در متون سنسکریت گاه که به مردمان مختلف از جمله کمبُج‌ها اشاره می‌شود، از ایشان نام برده شده است.

21- "Ghat"، واژه‌ای انگلیسی از ریشهٔ هندی "غات" به معنای "پله" است و در هندوستان از جمله در شهر بنارس در حاشیه رودها پله‌ها یا سکوهایی بزرگ به همین نام درست می‌کنند تا بر آنها شستشو و غسل کنند. این واژه در حالت جمع نام کوهستانی در جنوب هند است که به دویخش اصلی غربی و شرقی جدا می‌شود که در انگلیسی آنها را «وِسترن گاتس» و «ایسترن گاتس» می‌گویند.

22- "Narbada" رودخانه‌ای است در نواحی مرکزی هند که به نوعی مرز میان شمال و جنوب هند به شمار می‌آید.

23- "Kanchi"، نام یک پادشاهی باستانی در نواحی جنوبی هند است که در منظومهٔ حماسی مَهَابَهَارَتَ به آن اشاره شده و نیز نام شهری است در جنوب هند و در ایالت "تامیل نادو".

24- "George Coedes"؛

25- "Kambuja"؛

26- "Funan"، نام یک حکومت هندی‌منش در ناحیهٔ ریزش رود مِگُنْگ به دریای چین جنوبی، که پیش از امپراتوری خمرها (که این امپراتوری از قرن نهم تا پانزدهم میلادی بوده) برقرار بوده است.

27- "Sinhala"، نام زبانی است که عمده‌ترین گروه قومی در سریلانکا (که سابقاً سیلان نامیده می‌شد) بدان سخن می‌گویند و زبانی از خانوادهٔ زبانهای هندوایرانی به شمار می‌آید.

28- "Maratha"، نامی کلی است که بر برخی از هندوهای از تبار هندوایرانی دلالت می‌کند که به زبان "مَراِثی" با تلفظ /Marāṭhī/ مطابق آوانگاری IAST، سخن می‌گویند و موطن اصلی غالب آنها در ایالت مهاراشترای کنونی است.

29- "Maharashtra"، نام سومین ایالت پهناور و دومین ایالت پرجمعیت هند است به مرکزیت بِمبَئی بزرگترین شهر هندوستان. این نام از ریشه سنسکریت با آوای /mahārāṣṭra/ به آوانویسی IAST گرفته شده است.

30- "Palav".

منبع:

بخشی از شرح واژهٔ Pallava در دائرةالمعارف ویکی پدیا که در تاریخ چهاردهم اردیبهشت ماه سال 1385 زیر این مدخل مکتوب بوده است.

پیوندهای مرتبط:

این نوشته که ویراستهٔ آن را در اینجا می‌خوانید در منزلگاه اینترنتی پژوهشهای ایرانی و بخش فارسی دایرةالمعارف ویکی پدیا نیز منتشر شده است.